

# مطالعه تطبیقی حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر و رساله حقوق امام سجاد (ع)

دکتر سید باقر سیدی بنابی<sup>۱</sup>

میثم ندایی<sup>۲</sup> \*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۳۱

## چکیده

حقوق بشر آن دسته از حقوقی است که انسان به دلیل انسان بودن و فارغ از اوضاع و احوال متغیر اجتماعی یا میزان قابلیت و صلاحیت فردی او، از آن برخوردار است. در این پاسخ فرض بر این نهاده شده که یک سلسله هنجارها، اصول و حقوقی وجود دارد که جنبه جهان شمول دارد و برای تمام افراد انسانی در جوامع مختلف قابل اعمال است چرا که همه افراد به جهت انسان بودن دارای حقوقی هستند که هیچ جامعه یا دولتی نمی تواند آنها را انکار کند. به همین دلیل در تعریف حقوق بشر گفته اند: «حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است. «رسالة الحقوق» امام سجاد علیهم السلام در سه کتاب «تحف العقول» اثر ابن شعبه حرانی (۳۸۱ ق)، «من لا یحضره الفقیه» و «الخصال» اثر محمد بن علی بن بابویه معروف به صدوق (۳۸۲ ق) ذکر شده است. آن چه در این رساله آمده است در حقیقت بیان وظائفی است که در رابطه با افراد مختلف بر عهده یک شخص است، لذا ممکن است این سؤال مطرح گردد که این رساله حقوق به معنای حقوق مصطلح امروزی نیست. اما می توان گفت که با توجه به این که این وظایف نسبت به همه افراد جامعه مطرح شده و همه می توانند چنین مطالبه ای را از همدیگر داشته باشند این

۱-استادیار، گروه فقه و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بناب.

\*[m.nedayi91@yahoo.com](mailto:m.nedayi91@yahoo.com)

۲-دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه.



وظایف مطرح شده را می‌توان به نوعی بیان منشور «حقوق عمومی» از دیدگاه امام سجاد علیهم السلام دانست.

واژگان کلیدی: امام سجاد (ع)، رساله حقوق، حقوق بشر، اعلامیه جهانی حقوق بشر

## مقدمه

در کلام امام زین العابدین (ع) ابتدا باید معنای حقوق را تعریف کنیم؛ درست است که نام این کتاب رساله الحقوق است اما حق معانی مختلفی دارد. حق به معنای فقهی و حقوقی، همان من حق دارم است مثل اینکه من حق دارم طلبم را از شما بگیرم. حق به معنای توانایی در برابر تکلیف است. گاهی هم حق در برابر حکم قرار می‌گیرد؛ ممکن است من بخواهم حقی که متعلق به من است را ساقط، منتقل یا استفاده کنم. اگر شما از من طلب دارید من موظفم تا حق شما را بپردازم اما حق در رساله حقوق امام سجاد (ع) به معنای حکم است، یعنی حکم الله، حقوقی است که خداوند به عنوان وظیفه برای ما مشخص کرده است. برای مثال حکم الله وظیفه فرزند نسبت به پدر و مادر و برعکس، وظیفه انسان نسبت به اموال عمومی و شخصی، وظیفه انسان نسبت به سرزمین‌ها، وظیفه انسان نسبت به حال و آینده تاریخ است. در اینجا حق به معنای فقهی و حقوقی یا سلطه نیست بلکه به معنای وظیفه و تکلیف است. این ۵۱ حق و وظیفه را می‌توان در ۷ دسته تقسیم کرد. در ابتدا حقوق خداوند بر انسان‌ها قرار می‌گیرد بنابراین انسان‌ها باید در مسیر الهی حرکت کنند. در دسته دوم حق انسان بر خودش یا همان حق النفس مطرح می‌شود؛ مثل حقوق اعضای بدن انسان که هر یک از این اعضا بر کلیت بدن انسان سلسله حقوقی دارند؛ در این زمینه باید چشم به اموال مردم نداشته باشیم، گوش را به هر چیزی نسپاریم که این موارد از وظایف الاعضا هستند در اینجا حق به معنای طلب و سلطه نیست. در دسته سوم هم حق افعال عبادی مانند نماز، روزه حج و صدقه و... قرار می‌گیرد. امام سجاد (ع) نیز مسائلی را نسبت به حقوق افعال عبادی در رساله الحقوق بیان می‌کنند. در دسته چهارم هم حقوق بزرگان مطرح می‌شود که به معنای حقوق رعیت نسبت به حاکم و حاکم نسبت به رعیت، حق معلم، حق مالک و حق همسر و... بخشی از حقوق بزرگان است؛ حقوق جمع و فرد بر یکدیگر است یا بگوییم حقوق فرمانروا یا پیشوا بر مردم یا برعکس است. در دسته پنجم هم حقوق خانواده نسبت به یکدیگر مطرح می‌شود مانند حقوق فرزند نسبت به پدر و مادر و بر عکس است. در دسته ششم نیز حقوق دیگران



قرار می‌گیرد. مثل حقوق مؤذن، پیش نماز و همسایه و... بنابراین هر کسی حقی دارد. در دسته دیگر حقوق اموال مطرح است. حقوق نسل ها، مال ها و طبیعت جز حقوق اموال قرار می‌گیرد. برای مثال ما حق نداریم حتی اموال خود را هدر دهیم.

### مفهوم حق

واژه ی "حق" در معانی گوناگونی به کارگرفته میشود. وجه اشتراک کاربردهای متفاوت آن مفهوم "ثبات" و "پایداری" است. بر همین اساس، کاربرد آن در مورد "خداوند متعال"، "فعل و وعده ی خداوند"، «مفهوم مطابق با واقع»، «کارشایسته» و امثال آن، به نحوی دارای چنین وجه اشتراکی می باشند. (لغت نامه ی دهخدا، ۱۳۷۳: ۱). صرف نظر از معنای لغوی، اصطلاح "حق" نیز در موارد متفاوتی به صورت جمع و مفرد به کار میرود که بیان آن لازم میباشد:

۱- حقوق به معنای مقررات اجتماعی، به سخن دیگر نظام حاکم بر رفتار فردی و اجتماعی شهروندان یک جامعه که اجرای آن تضمین شده است. در این کاربرد، واژه ی حقوق جمع واژه ی حقّ نیست و اعتبار این مفهوم بر اساس نوعی «وحدت اعتباری» می باشد که مترادف با واژه ی «تشریح» در عربی و «Law» در زبان انگلیسی است.

۲- حقوق به معنای دستمزد و پاداش مالی، مترادف (Salary) در زبان انگلیسی، این استعمال همیشه به صورت جمع است.

۳- حقوق به عنوان جمع حق؛ (Right) در مبحث حاضر این معنا مورد توجه است. از این اصطلاح در متون فقهی و اصولی تعاریف مختلفی شده است که بدان اشاره می شود:

أ- "حق" سلطه ای است که برای انسان به خودی خود بر دیگری، اگر چه به طور اعتباری، قرارداده شده است. (صناعی، ۱۳۷۹: ۱۳).

ب- "حق" اعتباری خاص و اضافه ای ویژه است که از حکمی وضعی یا تکلیفی و یا منشأ دیگری انتزاع میشود. (خراسانی، ۱۳۵۶: ۲۲۴)



ت- "حق" مرتبه ای ضعیف از ملکیت است. (شیروانی، ۱۳۸۵: ۵۶).

ث- "حق" امری است اعتباری که در هر مورد، معنای خاص میدهد و دارای آثار خاص است. از این رو مضاف الیه حق بیانگر مفهوم خاص اعتباری حق در هر مورد می باشد. (غروی، ۱۳۷۶: ۱۰).

ج- حق، متشکل از چهار عنصر است که عبارت است از اختصاص، تسلط، احترام دیگران نسبت به آن و حمایت قانون از آن عنصر اول و دوم بیانگر ماهیت حق و دو عنصر دیگر مبین تکالیف دیگران در قبال حق است (الشرفاوی، ۱۹۹۶: ۱۴۷ و ۲۱).

ح- حق، اختیاری است برای انجام یک فعل که به یک فرد یا یک اجتماع داده می شود. اعلامیه های حقوق بشر حق را به همین معنا گرفته اند (برول، ۱۳۵۳: ۲۲۸).

#### حقوق بشر

مجموعه ی حقوقی که به سکنه یک کشور اعم از بیگانه و تبعه در مقابل دولت داده میشود. درمسأله حقوق بشر امر تابعیت نباید دخالت داده شود زیرا این حداقل حقوقی است که انسان در هر جا که هست باید دارا باشد. درهمین معنی حقوق انسان هم به کار میرود.

#### رابطه ی حق و تکلیف

تکلیف به معنای الزام متعلق به فعل یا ترک فعل انسان است و رابطه متقابل با حق دارد. به بیان دیگر، هر حقی مستلزم تکلیفی و هر تکلیفی مستلزم حقی است؛ با این تفاوت که در مفهوم حق، اختیار بهره برداری واستیفا نهفته است و صاحب حق، توان انتخاب دارد، در حالی که در مورد تکالیف چنین نیست، هر چند درمقام عمل، انسان قادر به ترک تکلیف میباشد. (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۷۵)

#### مبنا و جوهر حق

درباره ی مبنا ی حق گفتگو بسیار است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۲۳۳). پاره ای از نویسندگان اراده را منبع حق شمرده اند و گفته اند: «حق عبارت از توانایی است که به اراده ی اشخاص داده شده». بنابراین عنصر اصلی حق اراده ای است که به وسیله ی قانون، حاکمیت یافته است. گروه دیگر، در تعریف حق گفته اند: «نفعی



است که از نظر حقوقی حمایت شده». بر طبق این نظر، صاحب واقعی حق کسی است که از آن سود می برد نه آنکه اراده میکند. بنابراین، درباره ی مبنا و جوهر حق میتوان نتیجه گرفت: «سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به منظور حفظ منافع اشخاص به آنها میدهد» و بر همین پایه میتوان تعریف حق و آثار آن را استوار ساخت.

### اعلامیه جهانی حقوق بشر

مجمع عمومی سازمان ملل متحد، سه سال پس از تأسیس سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر را تصویب کرد و اعلامیه جهانی حقوق بشر، که هدف آن برقراری تضمین حقوق و آزادی‌های برابر برای همه مردم بود در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ به تصویب رسید، روزی که اینک در سراسر جهان به عنوان روز بین‌المللی حقوق بشر گرامی داشته می‌شود.

این اعلامیه شامل یک دیباچه و ۳۰ ماده در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ مطابق با ۱۹ آذر ۱۳۲۷ خورشیدی در مجمع سازمان ملل تصویب شد و جهانیان این روز را به نام "روز حقوق بشر" جشن می‌گیرند.

بنابراین موادی از اعلامیه که ملازم با حقوق بشر دارد را مورد بررسی قرار می‌دهیم:

مواد ۱ و ۲ اعلامیه شامل چهار اصل اساسی یعنی آزادی، برابری، عدم تبعیض و برادری است. ماده یک اعلامیه چنین می‌گوید: تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند و هم دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند. همان‌گونه که سعدی فرموده: «بنی آدم اعضای یکدیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند» (ایزد پرست، ۱۳۶۱: ۴۸) که هدف نویسندگان اعلامیه از تاکید بر تساوی حیثیت ذاتی و تساوی حقوق افراد و این که هم دارای عقل و وجدان می‌باشند و محکوم کردن هرگونه فکر نژادپرستی، برتری طلبی، تحقیر و ایجاد روح برادری، تعاون و تفاهم در بین افراد و اقوام ملل جهان است در تکمیل این هدف در ماده دوم اعلامیه با صراحت بیشتر بلکه تبعیضات ناشی از نژاد، رنگ، زبان مذهب، و عقیده سیاسی، وضع اجتماعی و ... که سبب جدایی و اختلاف در بین افراد می‌شود را محکوم می‌کند. در ماده سوم اعلامیه «هرکس حق زندگی، آزادی، امنیت شخصی دارد» (ناصر زاده، ۱۳۷۲: ۱۷۴) و در ماده چهارم اعلامیه نفع بردگی و اشکال بردگی را ممنوع کرده است.



در ماده پنجم هیچ کس به هیچ دلیل و بهانه‌ای حق اعمال فشار و شکنجه یا هرگونه مجازات ظالمانه غیرانسانی که برخلاف انسانیت و شئون بشری باشد را ندارد. ماده ششم تا چهاردهم در مورد شخصیت حقوقی افراد و برخورداری از حمایت برابر قانون در مقابل هرگونه تعرض و تبعیض، حق رجوع به دادگاه، مصونیت فردی، اصل برائت، مصونیت فرد در زندگی خصوصی، اقامت و امور خانوادگی و مکاتبات، آزادی رفت و آمد و حق پناهندگی و غیره می‌باشد. ماده پانزدهم تا هفدهم هم شامل حق تابعیت، حق تشکیل خانواده و حقوق خانوادگی و غیره می‌باشد. در هجدهمین ماده اعلامیه به رسمیت شناختن آزادی اندیشه و عقیده و مذهب تاکید دارد. در نوزدهمین ماده که هرچند به ماده قبل شباهت دارد ولی به نظر می‌رسد ماده اخیر ناظر به عقاید سیاسی باشد تا عقاید مذهبی به موجب این ماده هرکس از آزادی عقیده و بیان برخوردار است. (همان: ۱۷۹).

از ماده بیستم تا بیست هفت شامل آزادی اجتماعات، حق دریافت کار حق انتخاب کار، حق تشکیل سندیکا و آزادی آموزش و پرورش و بهره‌مندی از فواید علم می‌باشد. در ماده بیست و نهم اعلامیه در مقام تعیین هدف جامعه و حدود و حقوق و آزادی‌ها چنین مقرر دارد که هرکس در مقابل آن جامعه وظیفه‌ای دارد که رشد آزاد و کامل شخصیت او را ممکن و میسر می‌سازد. هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله قانون منحصرأ به منظور شناسایی و مراعات حقوق و آزادی دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است. بند ۳ از ماده بیست و نهم و ماده سی‌ام اعلامیه که برای حمایت در مقابل سوء استفاده از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مقرراتی وضع می‌کند که چنین است: «این حقوق و آزادی‌ها در هیچ مورد نمی‌تواند بر خلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا شود و هیچ یک از مقررات اعلامیه نباید طوری تفسیر شود که متضمن حقی برای دولت یا جمعیتی یا فردی باشد که به موجب آن بتواند هریک از حقوق و آزادی‌های مندرج در اعلامیه را از بین ببرد و یا دست به اقدامی بزند که هدف آن پایمال کردن حقوق و آزادی‌های مندرج مقرر در این اعلامیه باشد.» (بند ۳ ماده ۲۹ و ماده ۳۰). بنابراین اهمیت اعلامیه جهانی حقوق بشر در این است که بررسی نخستین بار در تاریخ جهان در زمینه حقوق و آزادی‌های اساسی بشر آن هم از طرف یکی از مهم‌ترین مقامات بین‌المللی منتشر و به عنوان آرمانی مشترک برای همه افراد جامعه شناخته شده است.



## حقوق بشر در دیدگاه امام سجاد (ع) و اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ میلادی در پاریس امضا شد و با قبول بسیاری از کشورها جزء حقوق بین الملل نیز قرار گرفت در سایه ی قتل، کشتار و تهدیدات جانی جنگ های جهانی اول و دوم تنظیم شده است و محتوا و روح کلی آن ناظر به احترام به حقوق اولیه ی انسان ها و برابری همه ی افراد بشر جهت دسترسی به حداقل های زندگی و حیات فردی و اجتماعی است. این اعلامیه در فضای نفی استبدادی که در دوران جنگ جهانی بر اروپا و بسیاری از کشورها حاکم بود نگاشته شده و ناظر به حقوق ابتدایی مردم در بهره مندی از یک زندگی حداقلی و برابر است. با تأمل در مفاد این اعلامیه می توان دریافت انگیزه اصلی تدوین کنندگان آن تأمین زیرساخت های معنوی جهت زندگی مسالمت آمیز بشر در جوامع و حفظ حداقل های لازم برای افراد آن بوده است، هر چند در مواردی اندک مانند حق تغییر ثانویه ی دین این اعلامیه با احکام اسلام تفاوت دارد اما در مجموع باید آن را گامی مثبت جهت پیشرفت جوامع دانست که دین اسلام بسیاری از مواد این اعلامیه را در لابلای احکام خود به صورتی مفصل تر و جامع تر بیان کرده است. امام سجاد علیهم السلام در این رساله علاوه بر نظر به نیازهای مادی به جنبه های فرا طبیعی نیازهای بشر نیز نظر داشته اند. البته در مقایسه ی محتوایی این اعلامیه با رساله الحقوق و سایر مفاد حقوقی اسلام باید این مطلب را افزود که اعلامیه ی جهانی حقوق بشر با دیدی سکولار و مادیگرایانه به بررسی این حقوق پرداخته است در حالی که رساله الهی حقوق امام سجاد علیهم السلام با نگاهی جامع، حق خداوند، نفس و افراد جامعه را مورد بررسی قرار داده است.

## حقوق بشر و دیدگاه امام سجاد (ع)

درباره مبانی حقوق بشر از دیدگاه امام سجاد (ع) تحقیقات بسیار اندکی صورت پذیرفته است. (ساکت نالکیاشری، ۱۳۸۹ ص ۲۱) در مقاله ای با عنوان حقوق بشر بیان می گردد که از دیدگاه توحیدی امام سجاد (ع) حقوق بشر ناظر به حقوق فطری انسان است و سلب ناپذیر، غیر قابل تخلف و ازلی و ابدی است. انسان موضوع حقوق بشر همان انسان متعارف از دید بنتم است. بین تعالیم امام سجاد (ع) و مفهوم حقوق بشر و نیز بین هر سنت الهی دیگر با حقوق بشر رابطه ی گسست ناپذیر برقرار است. تعارضاتی که گاه در سنتها با موارد حقوق بشر دیده می شود از تعارضات آشتی پذیر و قابل حل است. حقوق بشر جدا از حقوق



فطری طبیعی و منفک از آن نیست، بلکه روح حاکم بر سراسر سنت الهی است که در دیدگاه امام سجّاد (ع) تجلی پیدا کرده است. حوزه شمول حقوق بشر فرد یا جامعه یا ناحیه خاصی نیست و در سراسر گیتی گسترش دارد. نظارت بر حقوق بشر از موارد حسبه است و هر دستگاه قضایی باید برای این نظارت در مرحله اول از خود آغاز کند (نالکیشری، ۱۳۸۹: ۶۵). حقوق اجتماعی انسان از نگاه امام سجّاد (ع) توسط یکی از نویسندگان مورد بررسی قرار گرفته است. (جوادی املی، ۱۳۷۵: ۲۸۰) در این مطالعه، نظام حقوقی در دیدگاه امام سجّاد (ع)، جامعه را براساس کرامت انسان استوار دانسته و بر مبنای معارف و عقاید صحیح بازسازی می‌کند و با نفی ارزش‌های کاذب نژادی و قومی همه مؤمنین را از قبایل، طوایف و نژادهای گوناگون، سفید و سیاه و عرب و عجم را به عنوان جامعه واحدی می‌شناسد. قوانین اسلام هماهنگ با فطرت است و نیازها و تمایلات انسان را در مسیری معتدل مورد توجه قرار می‌دهد. امام سجّاد (ع) یکی از این انسان‌های شاخصی است که حقوق مبتنی بر کرامت انسانی را علماً و عملاً ارائه فرموده است. رساله حقوق در بردارنده اهم حقوق الهی و وظایف اخلاقی است و در هر حق نیز اهم جوانب آن بیان شده است.

مطالعه ای تحت عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی، تضادها و اشتراکات، ضمن مقایسه حقوق شهروندان از دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی، بیان می‌کند که حقوق بشر و حقوق بشر اسلامی در واقع تلاشی از سوی جامعه اسلامی برای ابراز هویت اسلامی خود در سطح بین‌المللی و بیان دیدگاه‌ها و نظرات این دین الهی در خصوص حقوق انسان‌هاست. و همانند اعلامیه جهانی بر شرافت و حیثیت و کرامت ذاتی انسان تأکید می‌کند و حقوق بشر را به رسمیت می‌شناسد. (حسینی ۱۳۸۵: ۱۰) همچنین حقوق بشر از دیدگاه توحیدی امامان و در رساله حقوق امام سجّاد (ع) همانند اعلامیه جهانی حقوق بشر بر موضوعات با اهمیتی چون حق حیات، حق آزادی، حق امنیت، منع شکنجه، منع بردگی و استبداد، حق برخورداری از بهداشت، آموزش و پرورش، خدمات اجتماعی، منع بازداشت غیرقانونی، آزادی انتخاب شغل و اقامتگاه، حق مالکیت معنوی، ممنوعیت بردگی، شناسایی حق مالکیت ادبی و ... تأکید می‌ورزد. بنابراین این طور می‌توان نتیجه‌گیری نمود که در بیان حقوق و آزادی‌های بشر، تفاوت چندانی میان معیارهای اعلامیه جهانی حقوق بشر و اعلامیه حقوق بشر اسلامی وجود ندارد (حسینی، ۱۳۸۵: ۲۳)





به نظر برخی از صاحب‌نظران، امام زین العابدین (ع) در این رساله، معیارهای دینی و انسانی روابط فردی و اجتماعی را حکیمانه بیان می‌کنند به گونه‌ای که این آموزه‌ها همه ابعاد زندگی انسان را در بر می‌گیرد. به عنوان مثال ایشان نوع رفتار صحیح و منصفانه و انسانی در برابر پدر و مادر، معلم، حاکم، مدیر، همسایه، همسر و ... را مطرح می‌کنند که رعایت این آموزه‌ها موجب می‌شود انسان روابط سالم و درستی با دیگر افراد جامعه برقرار کند. می‌توان گفت اگر کسی آموزه‌های امام سجاد (ع) در این رساله را به خوبی دریابد، به اسرار قوانین و حقوق اسلامی در روابط فردی و اجتماعی پی برده است. وی به برخی مشخصات رساله امام سجاد (ع) اشاره می‌کند و می‌افزاید: آن حضرت قبل از بیان حقوق افراد و طبقات مختلف، در آغاز کلام تاکید می‌کنند که حقوق متعددی برای انسان‌ها وجود دارد که شناخت آن‌ها واجب است. (غروی، ۱۳۹۰: ۱۰)

اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ میلادی در پاریس امضا شد و با قبول بسیاری از کشورها جزء حقوق بین‌الملل نیز قرار گرفت در سایه ی قتل، کشتار و تهدیدات جانی جنگ‌های جهانی اول و دوم تنظیم شده است و محتوا و روح کلی آن ناظر به احترام به حقوق اولیه ی انسان‌ها و برابری همه ی افراد بشر جهت دسترسی به حداقل‌های زندگی و حیات فردی و اجتماعی است. این اعلامیه در فضای نفی استبدادی که در دوران جنگ جهانی بر اروپا و بسیاری از کشورها حاکم بود نگاهشده شده و ناظر به حقوق ابتدایی مردم در بهره‌مندی از یک زندگی حداقلی و برابر است. حق زندگی، امنیت فردی، ممنوعیت بردگی، نفی شکنجه و آزار، برابری همه در برابر قانون، حق دسترسی به محاکم قضایی، حفظ حریم خصوصی، حق پناه جویی و تابعیت، آزادی در ازدواج، حق مالکیت، آزادی دینی و اندیشه و حق تغییر مذهب، حق دسترسی به خدمات عمومی و آموزش عمومی از موارد اساسی مطرح شده در اعلامیه حقوق بشر است (خلیلیان، ۱۳۶۲: ۶۵).

با تأمل در مفاد این اعلامیه می‌توان دریافت انگیزه اصلی تدوین کنندگان آن تأمین زیرساخت‌های معنوی جهت زندگی مسالمت‌آمیز بشر در جوامع و حفظ حداقل‌های لازم برای افراد آن بوده است، هر چند در مواردی اندک مانند حق تغییر ثانویه ی دین این اعلامیه با احکام اسلام تفاوت دارد اما در مجموع باید آن را گامی مثبت جهت پیشرفت جوامع دانست که دین اسلام بسیاری از مواد این اعلامیه را در لابلای احکام خود به صورتی مفصل‌تر و جامع‌تر بیان کرده است. امام سجاد علیهم السلام در این رساله علاوه بر



نظر به نیازهای مادی به جنبه‌های فرا طبیعی نیازهای بشر نیز نظر داشته‌اند. البته در مقایسه‌ی محتوایی این اعلامیه با رساله‌ی الحقوق و سایر مفاد حقوقی اسلام باید این مطلب را افزود که اعلامیه جهانی حقوق بشر با دیدی سکولار و مادیگرایانه به بررسی این حقوق پرداخته است (غروی، ۱۳۹۰: ۱۱۰) در حالی که رساله حقوق امام سجاد علیهم السلام با نگاهی جامع، حق خداوند، نفس و افراد جامعه را مورد بررسی قرار داده است. ضعف دیگر این اعلامیه را باید در رویکرد حق گرایانه‌ی صرف، آن جستجو کرد زیرا تنها به بیان حق اکتفا کرده و از مطرح کردن مخاطبین این حقوق خودداری یا غفلت کرده است در حالی که رساله‌ی الحقوق امام سجاد علیهم السلام به بیان صاحبان حق و هم مخاطبین آن پرداخته است.

#### مبنای حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر

برای تحلیل بهتر مناسبات حقوق بشر در دیدگاه امام سجاد (ع) و حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر باید مبنای حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر را نیز بشناسیم. مبنای حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر عبارتند از:

#### خردباوری علمی

منظور از خردباوری علمی، باور کردن توانایی انسان بر شناخت علمی هستی و انسان است؛ و این که تنها شناخت قابل اعتماد، معرفت علمی است. نیز شناخت علمی نیز شناختی اثبات‌پذیر یا ابطال‌پذیر است و نظریه‌های علمی، از یافته‌های تجربی، که از راه آزمایش به دست آمده‌اند، اخذ می‌شود. (چالمرز، ۱۳۷۴: ۹) بر اساس این رویکرد، اولاً: ماورای ماده از حوزه شناخت انسان بیرون است. در نتیجه در عرصه تعریف حقوق بشر نقش چندانی ندارد، ثانیاً: خرد مبتنی بر روش علمی و تجربی به شناخت همه ابعاد هستی، از جمله انسان و نیازهای او قادر است؛ ثالثاً: حقوق بشر از حوزه انتظارات از دین خارج و در قلمرو عقل بشری قرار می‌گیرد.

#### فردگرایی

مقصود از فردگرایی، برتر دانستن عقل و استدلال فردی بر همه چیز و کنار گذاردن خدا و شریعت الهی از حیات بشری و خالی کردن آن برای جولان فردیت است. این اندیشه از آثار خردباوری علمی است.



(حقیقت و میر موسوی، ۱۳۸۱: ۱۱۸) به بیان دیگر، اصطلاح «فردگرایی» نشانگر نوعی گرایش فکری است که بر اساس آن فرد به دور از دخالت و داوری دیگران تصمیم گرفته و روش خود را بر می‌گزیند. لذا به گفته «گنون»، «فردگرایی، یعنی نفی هرگونه اصل عالی و برتر از فردیت، و در نتیجه محدود کردن تمدن در جمیع شئون به عواملی که جنبه انسانی صرف دارند... فردگرایی یعنی خودداری از پذیرفتن اقتداری برتر از فرد، و نیز معرفتی برتر از عقل استدلالی (عقلانیت) فردی» (رنه گنون، ۱۳۷۲: ۸۲) و در نهایت می‌توان گفت که فرد در تفکر غربی برای خود یک کل است و با کل‌های دیگر مثل خودش و یا محیط اجتماعی و طبیعی خود در تقابل است. و به قول نیچه چنین برداشتی از فردیت، نتیجه انکار خدا و زیستن در جهان بی‌خدا است. (احمدی، ۱۳۸۵: ۶۱) اندیشه فردگرایی پیامدهایی دارد، از جمله این که حقوق انسان دارای منشأ فردی قلمداد شده و فرد انسانی موضوع ارزشهاست.

### حقوق طبیعی

مراد از حقوق طبیعی، حقوقی است که ناشی از حیثیت ذاتی انسان است و هیچ کدام از عوارض انسانی نظیر زبان، نژاد، جنسیت، مذهب در آن دخالت ندارد، این حقوق عبارتند از: حیات، آزادی، برابری و مالکیت، بنیاد حقوق طبیعی انسان بر تمایلات و غرایز بنیادی انسان نهاده شده است، و آنچه به صورت مطلق برای او وجود دارد همین حقوق طبیعی است، وظایف نیز در این حوزه محدود می‌شود. (فردین، ۱۳۸۲: ۱۲۰)

### نقش فطرت در مناسبات حقوق بشر

حقوق بشر که برای نوع انسان تجویز می‌شود باید از مبنایی نشأت پذیرد. لاجرم احکام و قوانین را مبنایی است و مبنایی را منابعی. امام سجاد (ع) با هستی‌شناسی وحی بنیان خود، مبدا و معاد باورانه، انسان را تحلیل و انسانیت انسان را که بر فطرت الهی سرشت، بنیان نهاده شده، شناسایی کرده و می‌شناساند. اشراف او به حقیقت انسان و عالم باعث می‌شود، مولی حقوق و تکالیف بشر را توامان ببیند و هیچیک را به نفع دیگری نادیده نمانگارد. شرافت و کرامت انسانی از جمله مدلولات التزامی "لا تبدیل لخلق الله" است و این پیش فرض کرامت مدار در اندیشه حقوق بشری امام سجاد (ع) موج می‌زند. برخی از صاحب‌نظران فقهی-حقوقی، حق الناس را با حقوق بشر مترادف گرفته‌اند. صرف نظر از بار معنایی که هر واژه ای برای خود دارد مسامحتاً این ترادف قابل تحمل است مضافاً اینکه پیامد آن آشتی یک مفهوم سنتی و نوین با هم است



چه از قبل آن بار ارزشی حق الناس بر حقوق بشر نیز تسری می یابد و چنین انگاشته نمی شود که حقوق بشر یک مفهوم وارداتی است و الا و لابد باید آن را تخطئه کنیم. حق الناس آن دسته حقوقی است که از ناحیه خدا برای خلق جعل شده و باید محترم انگاشته شود. مشکل ضمانت اجرا یکی از دغدغه های همیشگی واضعان حقوق بشر بوده و همچنان نگران کننده به نظر می رسد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۵۹). امام سجاد با منطق مبدا و معاد باورانه ای که در دیدگاه ایشان حکومت دارد، کمترین حق و حقوق را در پیشگاه محاسبه الهی قابل ارزیابی و بازخواست دانسته و نسبت به نقض حریم آن، واکنش نشان می دهد. توجه ویژه حضرت سلیقه خود سرانه و من عندی ایشان نیست. بلکه از آن روست که خداوند که منشا و منبع حق و حقوق است خود انسان ها را به پاسداری از حقوق یکدیگر امر فرموده و از تعدی و تجاوز به حقوق ممنوعان بر حذر داشته است. تا آنجا که فرموده اگر حق الله را ببخشایم از حق الناس نمی گذرم مگر با رضایت ذی حق.

#### ضعف‌های حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر

اعلامیه جهانی حقوق بشر در مقام اجرایی از ضعف های برخوردار است که اهم این ضعف ها عبارتند

از:

#### پدیده‌ای برآمده از فرهنگ غرب

مهم‌ترین ایرادی که به حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد است این است که حقوق بشر بیش از آنکه مبتنی بر مبانی فلسفی عامی باشد، زاییده فرهنگ غربی است که در مسیر تحولات فرهنگی غرب، صیقل خورده و به جزئی از فرهنگ آن تبدیل شده است. داعیه‌ی حامیان حقوق بشر بر این است که باید گرایش تمدن‌ها و فرهنگ‌های بدوی و ماقبل تجدد، به سمت تمدن و فرهنگی باشد که غرب زودتر از آن‌ها بدان دست یافته است. این فرهنگ‌ها بایستی در انطباق با فرهنگ غربی، در نظامی جهانی سهیم باشند و به نظام حقوقی برابر با تمدن غرب دست یابند. حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر گرچه به لحاظ نظری به عنوان «مجموعه‌ی حقوق متعالی انسانی» تعریف می‌شود و از این رو باید جهان‌شمول باشد و از ارزش‌های جهانی برخوردار باشد، در واقع پیرو جهان‌بینی خاصی است و آن عبارت است از: فرهنگ اعلامیه جهانی حقوق بشر لیبرال‌دموکراسی که امکان فهم این حقوق بر اساس فرهنگی متمایز از فرهنگ غربی را



سلب می‌کند. همان گونه که «جک دانلی» با صراحت می‌گوید: «برداشت‌های به اصطلاح غیرغربی از حقوق بشر، برداشت از حقوق بشر نیست. (کامیار، ۱۳۸۲: ۱۳۴) اگر نگاهی حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر بیندازیم، همان طور که سابقاً گفته شد، اومانیسیم بنیاد این حقوق بشر فعلی است. سؤال این است که آیا اومانیسیم مورد توافق عموم است؟. از این رو، حقوق بشر یک‌سویه و مطابق با فرهنگ خاص وضع‌کنندگان آن است. بنابراین آداب و رسوم دیگران را در نظر نگرفته است. این در حالی است که در حقوق بشر امام سجاد (ع)، انسان‌ها بر مفهوم امت و مبانی فطری بشری حقوق خود را پیدا می‌کنند که نه تابع فرهنگ و شرایط خاصی است و نه از نژاد و ملت خاصی تاثیر پذیر است.

### نادیده گرفتن اعتقادات دینی

در دوره‌ی رنسانس و اصلاحات، بر فرد و اراده‌ی آزاد و رهایی انسان تأکید می‌شد و اندیشه‌ها، رنگ غیردینی می‌گرفت. تحولی که در نظریه‌ی حقوق طبیعی پدید می‌آید، مستقل دانستن آن از قانون ابدی و الهی است. شخصیت‌های محوری در این دوره عبارت‌اند از: «ویتوریا»، «سوازر» و «گروسیوس». به عقیده‌ی آنان، معرفت انسان به اصول عدالت طبیعی، کاملاً مستقل از معرفت و شناخت وحی است. در این بین، گروسیوس را به عنوان نقطه‌ی شروع غیردینی کردن حقوق طبیعی قلمداد می‌کنند و این گفته‌ی معروف اوست که «حقوق طبیعی، حتی اگر خدایی هم وجود نمی‌داشت، پایدار بود. به عقیده‌ی گروسیوس، یکی از خصایص طبیعی انسان این است که گرایش اجتماعی در او وجود دارد و او را به زندگی توأم با صلح و مسالمت و هماهنگی با دیگران سوق می‌دهد. هر آنچه با سرشت و فطرت انسان‌ها به عنوان موجوداتی عاقل و اجتماعی مطابقت داشته باشد، درست و عادلانه است و هر چه این هماهنگی اجتماعی را مختل سازد، باطل و غیرعادلانه است. گروسیوس قانون طبیعی را «فرمان عقل درست» تعریف می‌کند. (پللو روبر، ۱۳۷۰: ۹۷) لذا دین به این گونه از عرصه‌ی حقوق بشر طرد و حذف شده است و همین مسبب انزوای آن نزد بسیاری از مردم و کشورهای مذهب‌بنیاد می‌شود و کارایی حقوق بشر را زیر سؤال می‌برد.

### نگاه به انسان به عنوان بشری لیبرال

نگاه تک‌بعدی به بشر به عنوان موجودی لیبرال و تعریف از آزادی و اختیار مطابق با رویکرد لیبرالی، دیگر انتقادی است که به حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد است. حقوق بشر، با توجه به مفهوم



آن یعنی حقوقی که بشر بماهو بشر دارد و باید فارغ از حیثیت رنگ، مذهب و... باشد. از این جهت، لازمه‌ی مفهومی حقوق بشر آن است که جهان‌شمول باشد. اما حقوق بشر غربی، بر خلاف ادعایی که دارد، نمی‌تواند جهانی باشد؛ زیرا به بشر بماهو بشر توجه نکرده است، بلکه به انسان بر اساس یک برداشت لیبرالیستی و در یک ابعاد خاص ماتریالیستی توجه کرده است. تک‌سویه بودن حقوق بشر غربی ناشی از همین امر است. (شیبانی، ۱۳۸۴: ۲۹۲) از منظر واضعان حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر، هم‌جنس‌بازی مقدس و قابل دفاع و از حقوق طبیعی شهروندان محسوب می‌شود؛ ولی برای نمونه، رعایت حجاب جرم به شمار می‌آید. از این رو، آموزه‌های مذهبی در خصوص ممنوعیت سقط جنین، محدودیت روابط جنسی و احکام مربوط به خانواده و اخلاق و عفاف را مصداق ستم به زنان معرفی می‌نمایند و در جهت محو آن فعالیت می‌کنند.

### تناقضات در اصول

بر مبنای همین لیبرالیسم، اصل اساسی و بنیادین در حقوق، آزادی مطلق انسان‌هاست؛ ولی اگر هر فرد بتواند آنچه را که خود می‌پسندد، انجام دهد و در این جهت آزاد باشد، هرچند و مرج و سلب آزادی از دیگران و اختلال در نظام اجتماعی پدیدار می‌شود. پس به ناچار و از روی ضرورت و صرفاً به منظور رعایت حال دیگران، باید حدودی برای آزادی هر یک از افراد قائل شد و آزادی هر کس منوط و محدود به عدم زیان به دیگران شود. بنابراین تنها عامل محدودکننده آزادی، همان گونه که جان استوارت میل می‌گوید، «اصل ضرر» است و اگر احیاناً حقوق بشر غربی، از مقتضیات صحیح اخلاقی سخن رفته است، بدون پشتوانه‌ی منطقی است و بیشتر به مزاح شباهت دارد تا به واقعیت، چون بر مبنای نسبیت ارزش‌ها و اصالت دادن به خواست بشر به جای مصلحت وی، شنیع‌ترین کارهای اخلاقی نه تنها ناپسند نیست، بلکه مقدس و قابل دفاع و از حقوق مسلم و طبیعی بشر قلمداد می‌شود. شگفت آنکه پس از بررسی عقلانی و فلسفی، به این نتیجه می‌رسیم که از منظر واضعان حقوق بشر غربی، هم‌جنس‌بازی مقدس و قابل دفاع و از حقوق شهروندان محسوب می‌شود؛ ولی برای نمونه، رعایت حجاب جرم به شمار می‌آید. از این رو، به گفته‌ی هابز، هیچ کس حق محدود کردن آزادی انسان را ندارد و بر مبنای این دیدگاه لیبرالیستی، مسیر حرکت انسان را امیال او مشخص می‌کند و وجود شکاف بین انسان و امیال او، پذیرفتنی نیست. بر همین اساس است که اولاً آموزه‌های مذهبی در خصوص ممنوعیت سقط جنین، محدودیت روابط جنسی و احکام مربوط به خانواده و اخلاق و عفاف را مصداق ستم به زنان معرفی می‌نمایند و در جهت محو آن فعالیت می‌کنند. برای مثال، در



«کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان»، هر گونه قیدی در روابط بین زن و مرد، با عنوان «تبعیض علیه زنان» محکوم شده است. ثانیاً ازدواج با هم‌جنس در برخی کشورهای غربی، همچون نروژ، سوئد و هلند، جنبه‌ی رسمی یافته است؛ به گونه‌ای که از سوی جوامع غربی تلاش می‌شود هم‌جنس‌بازی را علمی جلوه دهند. در کنوانسیون مزبور، به دنبال مشروعیت جهانی بخشیدن به هم‌جنس‌بازی و ابتدال فرهنگی و اخلاقی، خواستار لغو گرایش علیه هم‌جنس‌بازی شده‌اند. (کامیار، ۱۳۸۲: ۲۳۴)

### شعاری بودن برخی اصول حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر

اصولی همچون اصالت فرد و برابری، که مورد ادعای حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر هستند، به واقع شعاری و بی‌ریشه هستند. اصالت فرد با برابری همه‌ی انسان‌ها با هم التزامی ندارد و در دیدگاه امام سجاد (ع)، ضمن قبول و تأکید بر برابری همه‌ی انسان‌ها، اصالت فرد نفی نشده است؛ بلکه ضمن احترام به اراده‌های اشخاص و آزادی عمل آنان، به مصالح جمعی در هنگام تعارض، رجحان داده می‌شود. پس نه اصالت فرد و نه اصالت اجتماع، بلکه هر دو در جایگاه خود باید قرار بگیرند. مهم‌ترین انتقاد بر اصل برابری در حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر، شعاری بودن و مهم‌تر، بی‌ریشه بودن آن است. در تفکر امام سجاد (ع)، این برابری ریشه در نسبت یکسان همه‌ی ابناء بشر به خدا و انتساب آنان به یک پدر و مادر و مبنای ارزش نه بر طبیعت، بلکه بر کرامت‌های اکتسابی و اختیاری دارد.

### انطباق دیدگاه امام سجاد (ع) و دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر در حق حیات

حیات موهبت الهی است و هیچ کس مجاز نیست که این حق را از دیگران سلب کند، اگر کسی این حق را از دیگران سلب کند علاوه بر استحقاق عقاب اخروی و خلود در جهنم در دنیا نیز محکوم به اعدام است و به خاطر ارج نهادن به حیات انسان‌ها، حیات عمومی جامعه را در پرتو اجرای قانون قصاص، ثابت و پابرجا می‌داند؛ چون در دین اسلام مرگ و حیات حتی یک فرد به قدری ارزشمند و مقدس است که با حیات و مرگ تمام افراد جامعه برابری می‌کند. هیچ فرد یا مجموعه‌ای نمی‌تواند این حق را از فرد سلب کند و یا به جسم و روح انسان آسیب برساند. سلب حیات انسان به معنای نابودسازی کل جامعه است، مگر آنکه با علت درستی انجام شود. هرکس، کسی را بکشد که کسی را نکشته یا در زمین فساد نکرده است، گویی همه‌ی مردم را کشته است. از سوی دیگر، امام سجاد (ع) سرچشمه حقوق را شناخت پروردگار می



شمارد. راز سخن آن حضرت در این جاست که اگر کسی خدا را نشناسد و کفر پیشه کند، درحقیقت از حق حیات بی بهره است. در حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز، حقوق بشر از حقوق بنیادین و غیرقابل انتقال تلقی شده، که زیستن به عنوان نوع بشر بر پایه آن‌ها استوار است (ربکا، ۱۹۹۷: ۲۲۷)

### انطباق در برپایی آزادی

همه پیامبران پیام آور آزادی بشر بوده اند. آزادی از نظر امام سجاد (ع) یعنی رها شدن از بردگی و اطاعت غیر خدا. اما از نظر مکاتب دیگر آزادی یعنی حق انتخاب داشتن که انسان می تواند با توجه به این حق انتخاب، دین داشته یا نداشته باشد. درحالی که از نظر امام سجاد (ع) این رهایی مطلق بردگی است؛ زیرا انسان در این صورت اسیر آرزوها و هوس ها خواهد شد. امام سجاد (علیه السلام) در دعای صحیفه‌ی سجادیه میفرماید: اَمْتِنَا مُهْتَدِیْنَ غَیْرَ ضَالِّیْنَ، طَائِعِیْنَ غَیْرَ مُسْتَكْرِهَیْنَ؛ (صحیفه سجادیه: دعای ۴۰) میگوید پروردگارا! من را درحالی از دنیا ببر و بمیران که هدایت یافته باشم، گمراه نباشم؛ من را درحالی از دنیا و از این نشئه ببر که من با طوع و رغبت به آن طرف بروم. در حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آزادی انسان از دیدگاه فردی به نوعی در تطابق است با دیدگاه امام سجاد (ع). نگرانی عمده برخی، نسبت به توسعه فرهنگ حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر، ریشه در این سوء برداشت دارد که هنجارهای حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر را معادل فرهنگ غربی گرفته اند. با توجه به تجربه فردگرایانه افراطی جوامع غربی که منجر به فراموش شدن اخلاق نوع دوستانه و یا حتی تزلزل در بنیان خانواده شده است، پیوسته این نگرانی وجود دارد که تن دادن به حقوق و آزادیهای فردی، پیامد مشابهی برای این جوامع داشته باشد. اگر چه، این نگرانی را به سادگی نمی توان نادیده گرفت و از تجربه تلخ جوامع غربی در فاصله گرفتن از ارزشهای نوع دوستانه و حتی جامعه محورانه و غوطه ور شدن در گونه ای فردگرایی افراطی لیبرالیستی غافل بود، اما بی تردید، راه حل آن انکار جهان شمولی پاره ای از حقوق و آزادیهای بنیادین نیست.

### انطباق در برپایی عدالت

حقوق بشر منعکس کننده آرمان جهانی عدالت و جامعه ای است که در آن هر انسانی بتواند از زندگی شرافتمندانه‌ی همراه با صلح، امنیت و رفاه برخوردار گردد. و این حقوق همزاد با پیدایش انسان بوده و با وجود او به وجود آمده است چرا که انسان موجودی است که کرامت ذاتی را از آفریدگار خویش به ارمغان





گرفته است. عدالت در لغت به معنی مساوات و عدم افراط و تفریط است (دهخدا، ۱۳۴۱: ۱۲۱) و در اصطلاح عبارتست از دادن حق هر صاحب حق و گذاشتن هر چیز در جای خود می باشد. (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷) از جمله مفاهیم مرتبط با حقوق بشر، عدالت است که در اسلام از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد، خداوند در این باره می فرماید: لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ. (حدید/۲۵) تأمل در سیره و روش امام سجاد (ع) در دوران حیات و مبارزاتشان به روشنی نشان می دهد که آن حضرت در اجرای قانون و پاسداری از حکومت اسلام دقتی بسیار داشته و با تمام توان کارگزاران را به اجرای عدالت و قانونگرایی فرا می خوانده است.

امام سجاد (ع) برای پیشبرد عدل و دادگری فرموده است: از سه چیز استعانت و استمداد کن. اول: نیت خوب، دوم: کم توقعی از مردم، سوم: فزونی ورع و تقوی. ایشان برای گسترش، عدل از کثرت ورع سخن گفته یعنی آن کس که می خواهد عدل را در سطح وسیع پیاده باید دارای ورع بسیار باشد، به طوری که در هیچ عملی تقوی را فراموش نکند، و از مرز حق فراتر نرود. علاقه و میل درونی امام سجاد (ع) این است که عدل اسلامی را در جمیع ابعادش بین مردم گسترش دهد و جامعه را از عدالت در عقاید و اخلاق، عبادات و معاملات، معاشرت و آمیزش، گفتار و رفتار و خلاصه، در تمام شئون مادی و معنوی برخوردار نماید. حق گویی از دیدگاه امام سجاد (ع) یکی از موارد مهم در برپایی عدالت است. ایشان می فرماید: بارالها! مرا موفق بدار که همواره سخن حق گویم و اگرچه موجب مشقت باشد. رعایت حق و عدالت آدمی را با مشکلات مواجه می سازد ولی باعث ایجاد عدالت در رفتار اجتماعی و بشر می گردد.

### انطباق در امتیازات کلی

امتیازاتی کلی که هر کس به لحاظ انسان بودن از آن برخوردار است. به واقع تمام آحاد خانواده بشری فارق از هر گونه تمایز و تفاوتی از این حقوق بهره مند هستند، نه به این دلیل که شهروندان دولت خاصی هستند؛ اصولی قهری و لاینحرفی که در چارچوب قواعد کلی حقوقی، ذاتی و طبیعی فرض شده، لذا فراتر از اراده دولت ها تجلی می یابد، مشمول مرور زمان نشده بلکه لازمه حیات فردی و اجتماعی آحاد بشر است. این اصول و قواعد با ابتدای بر ارزشها و ملاحظات انسانی، در سطوح داخلی و بین المللی مورد تأکید و توجه ویژه قرار گرفته و از قبل آنها حقوقی به نیت افراد انسانی وضع می شود که باید در همه ابعاد زندگی،



اعم از روابط شخصی و اجتماعی و در زمان صلح و جنگ معیار رفتارها و محک ارزیابی قرار گیرد بلکه حتی کار آمدی دولت بین المللی و نهاد های مدنی ، از این منظر کاویده می شوند . از منظر قواعد حقوقی ای که نقش و کار کرد عوامل مختلف اجتماع را تعیین کرده و « آزادی فردی » و « رمحیه اجتماعی » انسانها را سازش بخشیده و هماهنگ می نماید . موضوعیت حقوق بنیادین بشر در این چارچوب ارجاع ، که غیر قابل تلقی می شوند مقتضی ساز و کارهایی خاص برای تحقق امنیت و صلح و آرامش آحاد بشری است تا آنجا که مقوله ای به نام فرا دستی و طبقه برگزیده در برابر فرو دستی و طبقه محروم و با کمال تحقیر ها و بی قانونی ها که حکایت از پندارهای بی پای ه و غیر اخلاقی دارد . وجود نداشته باشد ؛ جهت گیری عامی که در مقام تضمین حمایت فراگیر از حقوق نوعی همگان است ؛ امری که چون اساساً در نظام بین المللی دولت محور معطوف به روابط دولت و مردم است، مستلزم حمایت ویژه از حقوقی است که خاستگاه اخلاقی - وجدانی آن مفروض و زمینه ساز تحولی شگرف در روابط اجتماعی (ملی - بین المللی) است ؛ حقوقی که آنچنان بدیهی و قابل تعین و تشخیص است که همه مکلف به رعایت آن هستند. (جمشیدی، ۱۳۷۷: ۳۴۶)

### انطباق در کرامت ذاتی انسان

«کرامت ذاتی انسان» به عنوان مبنای حقوق بشر تلقی می شود، یعنی بشر من حیث بشریت ، شایسته و مستحق برخورداری از برخی حقوق است ؛ حقوق بنیادین و هنجارهای بشری ای که ناظر بر مشترکات انسانی است ، آنچنان بدیهی و از نوع برتر و مطلق که غیر قابل تخلف و شرط ناپذیرند؛ قید و حدی را بر نمی تابند و از این حیث دیگر نمی توان در قالب الگوهای دولت محور فرا دست طلبانه بر صلاحیت های انحصاری و ملی و یا داخلی بودن حوزه موضوعی حقوق بشر تأکید کرد . چرا که «کرامت ذاتی» انسان، به او ارزش و اعتباری فوق همه پدیده های اجتماعی می دهد ، بلکه این پدیده ها طفیلی هویت انسانی آحاد بشرند. ارزش های جهانی بایسته ای که رعایت و احترام به این حقوق را الزامی فرض می کنند ، به آنها ویژگی مطلق می دهد و به تعبیری رعایت آنها حیات انسانی را عقلایی تر می کند و امنیت و رفاه و شکوفایی بیشتری را نصیب بشر خواهد کرد. این غایات عقلایی و وجدانی ، به رغم بدهتی که از آن بر خوردار شده اند، اما محصول تجربه تاریخی و طولانی و پر فراز و نشیب بشرند؛ اما آنچنان ریشه دوانده اند که نمی توان به راحتی از آنها به دلیل برخی، صرف نظر کرد. در این معنا حقوق بشر ماهیتاً نه بر اصل معامله



متقابل، یا اعمال سلیقه بلکه بر منافع مشترک و همگانی حول هنجارهای اخلاقی - وجدانی عام معطوف به حقوق ذاتی انسانها مبتنی است. (سپهری، ۱۳۸۷: ۲۳۳) البته در منشا کرامت انسانی در دیدگاه امام سجّاد (ع) و دیدگاه بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر تفاوت وجود دارد. در دیدگاه امام سجّاد (ع) کرامت ذاتی انسان برخاسته از اصل متصل بودن او به ذات الهی و اشرف مخلوقات بودن است ولی در دیدگاه بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر کرامت ذاتی انسان به سبب تولد او در به عنوان یکی از اعضای گونه انسانی است.

### انطباق در درنوردیدن مرز میان تبعه و بیگانه

حقوق بشر به لحاظ مفهومی، در رابطه میانه فرد و دولت ملی تغییراتی ایجاد کرده و ساختار سنتی را تا حدی متحول ساخته است. دولتها در گذشته در چارچوب نظریه حاکمیت مطلق رفتار می کردند. وضعیتی بر گرفته از این رهیافت که به دولت محوریت خاصی بخشیده و آن را مستقل از جامعه، برتر و فوق آن تصور می کردند. در این نگاه دولت ها نه تنها از جامعه متمایز، بلکه متفاوت از آن هستند. دولت نسبت به جامعه از استقلال ساختاری هنجاری برخوردار است و در مقابل، جامعه پدیده ای منفصل و فرمانبردار است. برداشتی فرا ملی از حد شمول اختیارات دولت که از یک سو به تعامل دولت و جامعه توجه نداشته و از دیگر سو به جهت گیری کوتاه بنیانه حفظ نظم و امنیت مطلوب فرا دست جامعه فارغ از شهروندان را که عملاً منجر به صف بندی های طبقاتی و نا امنی در داخل و درگیری و نزاع در سطح بین المللی می شود، نادیده می گیرد. اما اینک دولت ها به طور گریز ناپذیری در موقعیتی قرار گرفته اند که برخی از آن به سمت گیری دیگر نام می برند. یعنی دولت و اقتدار عالی آن موسوم به حاکمیت، در ابعاد داخلی (نسبت به افراد و گروهها) و خارجی (نسبت و در ارتباط با نهادهای بین المللی) دستخوش دگرگونی های بنیادین گردیده است. اگر در گذشته اینگونه القاء شدو البته مردم خو گرفته بودند که از فرامین مراجع قدرت بی چون و چرا متابعت کنند، امروز «حاکمیت» و آزادی ناشی از آن، حق تفویضی از مردم به حکومت تلقی می شود. در این منظر، حاکمیت مردم و نمایندگی دولت از طرف مردم، واقعیتی تقسیم ناپذیر، سلب ناشدنی و غیر قابل مرور زمان و متعلق به ملت است. هیچ گروهی از مردم و هیچ فردی نمی تواند اعمال حاکمیت را حق خود بداند. از این رهگذر، امروزه دولتی با اختیارات معدود در چارچوب نظم حقوقی موسوم به دولت قانونمند و با کارکردهای تخصصی و معدود موسوم به «دولت حداقل»، مطلوب تلقی می شود. دولت قانونمند را دولتی می شمارند که قدرت آن بر پایه معیارهای کلی تنظیم شده و شهروندان نیز از این حق مسلم برخوردار باشند که



حسب لزوم به نهادهای نظارتی متوسل شوند. اساسی‌ترین حقوق تضمین شده آحاد ملت، بستری است که شهروند می‌تواند آنها را بخواهد و قدرت حاکم نیز باید به آنها احترام بگذارد. لذا به جای بهره‌گیری از مفاهیم «حاکمیت» و حکومت، از اداره امور و حکمرانی سخن گفته می‌شود.

این دیدگاه حقوق بشر در تطابق است با دیدگاه امام سجاد (ع) است. با نگاهی به رساله حقوق امام سجاد (ع)، در این برنامه، امام سجاد (ع) حاکمان را به حقوق رعیت توجه می‌دهد و می‌فرماید: "حق زیردستان تحت سلطه و حکومت تو این است که بدانی آنها به خاطر ضعف خود و نیرومندی تو، رعیت شده‌اند. پس بهتر است که رعایت کنی حق کسی را که حکم تو را نافذ گردانیده و نمی‌تواند برای استیفای حقش علیه تو قیام کند. پس نسبت به رعیت، مهربان باش و خطاهای آنان را که از روی نادانی انجام داده‌اند، ببخش و در مقابل، در کیفر اعمال بد آنها شتاب نکن و خداوند را به خاطر توانایی که به تو داده، سپاسگزار باش." (سپهری، ۱۳۸۷: ۱۲۵).

از دیدگاه امام سجاد (ع) احترام به شرافت و شخصیت افراد در اجتماع، از علایم رشد عمومی و یکی از نشانه‌های جامعه‌ای سعادت‌مند است. چنانچه بی‌احترامی به شخصیت افراد جامعه و هتک حرمت آنها، نشانه انحطاط و عقب‌ماندگی عمومی است. (همان: ۲۳۷) در جامعه‌ای که حقوق متقابل مردم و حکومت، براساس مقرراتی عادلانه تنظیم شده باشد، هرکس به وظیفه خویش آشناست و به خود اجازه نمی‌دهد به حقوق دیگران تجاوز کند. در چنین جامعه‌ای، مردم با اتکال به قانون، از آرامش خاطر و اطمینان برخوردارند. کسانی که بر جوامع انسانی حکومت می‌کنند به دو دسته تقسیم می‌شوند: حکامی که از راه انتخاب و رای اکثریت افراد جامعه به قدرت رسیده‌اند. دسته دیگر، حکامی هستند که با زور و ارباب، حکومت را به چنگ آورده‌اند. در مورد حکومت‌هایی که توسط خود مردم انتخاب می‌شوند، باید گفت که اگر انتخاب به صورت صحیح و عادلانه انجام شده باشد، حاکمان سعی می‌کنند رضایت مردم را جلب کنند. در غیر این صورت کسانی که آنها را انتخاب کرده‌اند، می‌توانند آنها را از مسند قدرت عزل کنند. اما گروه دیگر حاکمان، یعنی آنان که با اتکال به امکانات مادی و قدرت نظامی، حکومت را به دست آورده‌اند، باید بدانند که قدرتشان ناشی از ضعف توده‌های مردم است و باید از ظلم و تجاوز به آنها خودداری کنند.



## انطباق در آزادی مذهب و عقیده

آزادی مذهب و عقیده: با توجه به توصیه اکید به رعایت حقوق اهل ذمه در رساله حقوق امام سجاد (ع) در اندیشه های اسلامی باورهای دینی و اعتقادات مذهبی امر قلبی است که اجبار و اکراه در آن معنایی ندارد. زیرا که ایشان برای پاسداری از ایمان و باورهای قلبی تقویت معرفت دینی را پیشنهاد می کند، نه سلب آزادی و عقیده و مذهب را با جبر و اکراه. زیرا اعتقاد انسان به امری مبتنی بر تفکر آزاد، احساس و واسطه های دل، تقلید از پدر و مادر و تأثیر محیط می باشد. (داعی نژاد، ۱۳۸۹: ۴۴) در حقوق بشر از دیدگاه امام سجاد که برگرفته از قرآن کریم است، انسان موظف است که حیات خود خصوصاً زندگی دینی خود را بر اساس تفکر و اندیشه بنا نهد و برای اعمالش دلیل و حجت بدست آورد و اعتقاد به اسلام و حقانیت آن نیز اگر از راه تفکر نباشد ارزشی ندارد. این همه تأکید برای آن است که اسلام در پرتو بهتر اندیشیدن، بهتر درخشیده و آزادی اندیشه نه تنها به زیان اسلام نیست بلکه با اندیشه و تفکر، حقیقت اسلام تابناکتر می شود.

## انطباق در محدود کردن حق بشر

امام سجاد (ع) در دیدگاههای خود در مورد حقوق بشر در رساله حقوق و دیگر مکتوباتشان، این تعارض محدود کردن حقوق بشر را به گونه ای بسیار بهتر و زیباتر حل نموده است که هم با دیدگاه اخلاقی در مورد حقوق بشر سازگار است و هم از منظر قانونی قابل بررسی است. امام سجاد (ع) محدودیت بعضی از حقوق بشر را با توجه به مفهوم حق الناس بیان می کند. در تعریف حق الناس باید گفت که حق الناس عبارت است از حقوق متقابل، این حقوق روابط انسان ها و جوامع را در مناسبات گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فردی، فرهنگی، مذهبی، حکومتی، بین المللی قانون مند می کند (سپهری، ۱۳۸۷: ۲۴۱). این حقوق را که خداوند واجب گردانده برای تأمین آسایش فردی و اجتماعی و اصلاح امور و جامعه انسانی است. مسئله حق الناس در رساله حقوق امام سجاد (ع) در محورهای مختلف مطرح است. مانند حقوق والدین، حق فرزند به والدین، حقوق زن و شوهر (حقوق خانوادگی) حقوق برادری، حقوق اجتماعی، حقوق همسایهداری و موارد متعدد دیگر (ابن شعبه حرانی، ۱۳۷۶: ۲۶۱) برخی از صاحب نظران فقهی - حقوقی، حق الناس را با حقوق بشر مترادف گرفته اند. صرف نظر از بار معنایی که هر واژه ای برای خود دارد مسامحتاً این ترادف قابل تحمل است مضافاً اینکه پیامد آن آشتی یک مفهوم سنتی و نوین با هم است، چه از قبل آن بار



ارزشی حق الناس بر حقوق بشر نیز تسری می یابد و چنین انگاشته نمی شود که حقوق بشر یک مفهوم وارداتی است و الا و لا بد باید آن را تخطئه کنیم.

حق الناس آن دسته حقوقی است که از ناحیه خدا برای خلق جعل شده و باید محترم انگاشته شود. مشکل ضمانت اجرا یکی از دغدغه های همیشگی واضعان حقوق بشر بوده و همچنان نگران کننده به نظر می رسد. امام سجاد با منطق مبدا و معاد باورانه ای که در دیدگاه ایشان حکومت دارد، کمترین حق و حقوق را در پیشگاه محاسبه الهی قابل ارزیابی و بازخواست دانسته و نسبت به نقض حریم آن، واکنش نشان می دهد. توجه ویژه حضرت سلیقه خود سرانه و من عندی ایشان نیست. بلکه از آن روست که خداوند که منشا و منبع حق و حقوق است خود انسان ها را به پاسداری از حقوق یکدیگر امر فرموده و از تعدی و تجاوز به حقوق هموعان بر حذر داشته است. تا آنجا که فرموده اگر حق الله را بیخشایم از حق الناس نمی گذرم مگر با رضایت ذی حق.

علاوه بر حق الناس، امام سجاد (ع) با تیزی بی نظیری توانسته است حقوق بشر را مقید به حق النفس کند. به این معنی که با قرار دادن حق النفس برای مقید کردن حقوق بشر، در راه ایجاد اعتدال اجتماعی قدم برداشته و انسان ها را مکلف به محدود کردن حقوق بشر خود با توجه به حقوق النفس میکنند. در روایتی امام سجاد (ع) حق الله و حق النفس را اینگونه بیان نموده اند: حق الله که بزرگ ترین حقی است که بر گردن توست، آن است که تنها او را عبادت کنی. تنها از او اطاعت کنی و فرمان ببری. هیچ کس و هیچ چیزی را شریک او قرار ندهی. اگر این کار را خالصانه انجام دادی، خداوند امور دنیا و آخرت تو را تضمین می کند.

### انطباق در آموزش، تعلیم و تربیت و پرورش همگانی

دیدگاه بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر حق آموزش، تعلیم و تربیت و پرورش همگانی را مطرح و احکام بسیار زیاد و ارزشمندی را مقرر می دارد که همه آنها مورد تایید و بلکه مورد تاکید امام سجاد (ع) است و با دیدگاه و سیره عملی او توافق کامل دارد. ایشان در رساله حقوق خود یک بخش را به حق معلمان و گسترش دهندگان علم اختصاص داده است و می فرمایند: حق معلمان و سرپرستان علمی این است که آنان را بزرگ بداری، مجلس و حضورش را محترم شماری، و با دقت سخنانش را بشنوی. استاد را به بیان مطالبی یاری دهی که به کار تو می آید و به آن نیازمندی. فکر را فارغ و ذهن را مهیاسازی. با چشمپوشی از



لذتها کاستن از تمایلات درونی، قلب خویش را پاک و چشم خود را جلا دهی، خویش را بیک استاد در رساندن آن معارف به دیگران بدین و در ایفای رسالت علمی خود مرتکب خیانت نشوی. (سبزواری، ۱۳۸۹: ۷۶).

همچنین ایشان در ادامه در حقوق دانشجویان و متعلمان می فرمایند: حق آنان که از تو می آموزند، این است که بدانی خداوند آنچه از دانش و حکمت در اختیار تو قرار داده برای خدمتگزاران آنهاست. یعنی؛ علم باید در خدمت خلق خدا باشد. پس اگر در ایفای این نقش وفادار بودی و گنجینه دار امین و مهربانی به شمار آمدی و حق خدا را درباره بندگان به نیکی به جای آوردی، راه رشد و تکامل در پیش خواهی داشت. وگرنه خائن به خدا و ظالم به خلق خواهی بود و در این صورت سزاست که خداوند دانش تو را برگیرد. امام در ادامه در دیدگاه بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر در بعضی متون اشاره می شود که: "آموزش و پرورش باید سکولار و به دور از هرگونه جهان بینی دینی باشد و حسن تفاهم، گذشت، احترام به عقاید مخالف، دوستی بین تمام ملل را آموزش دهد و فعالیت‌های صلح بین المللی را تسهیل کند. بعضی مفاهیم مذکور در این دیدگاه بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر بسیار بلند و زیبا و از نظر امام سجاد (ع) مستحسن و مورد تایید و تاکید است ولی یک مشکل مهم در این دیدگاه بشر اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود دارد به نظر می رسد و آن اینکه آموزش دادن این مفاهیم برای بچه‌ها و جوانان در آموزش و پرورش و آنها را با روحیات خوشبینی جهانی و حسن تفاهم و تعامل بین المللی و با انسان دوستی عمومی و صلح جویی و با گذشت و احترام به عقاید دیگران تربیت نمودن، و همچنین عدم تحمیل دین به کودکان ایجاب می کند که از طرح مسایل خداشناسی و خداجویی و شناخت الهی و احکام الهی و جهاد و دفاع و تبری در آموزش و پرورش که از فروض الهی و ضروریات دین است خودداری شود و از این جهت در این یک مورد با آموزه‌ها و احکام امام سجاد (ع) و با حقوق کودک از دیدگاه ایشان اصطکاک پیدا می کند.

### نتیجه گیری

هنجارهای بین المللی از جمله هنجارهای حقوق بشر بیش از هر چیزی نماینده تفوق غرب در صحنه جهانی است. در مفهوم حقوق بشر تعریف واحدی ارائه نشده و توافقی در این مورد وجود ندارد، به بیان کلی حقوق بشر، حقوق بنیادین و انتقال ناپذیر است که برای حیات نوع بشر اساسی تلقی می شود، یعنی



مجموعه‌ای از ارزشها، مفاهیم، اسناد و سازوکارها است که موضوعشان حمایت از مقام و منزلت و کرامت انسانی است. هدف و غایت حقوق بشر تضمین حقوق اساسی افراد بوده و حقوق بشر به دنبال اعطاء حقوق مشخص افراد می‌باشد و منظور از حقوق اساسی افراد، همان حقوق و آزادیهای فردی است که عبارتند از: حکومت قانون- عادلانه- و آزادی بیان و اجتماعات و مصونیت جان و مال و آزادیهای ویژه ای چون حقوق اقتصادی، مصونیت از تبعیض و حقوق بیگانگان با تمام زیرشاخه‌ها و چارچوبهای منطقی اجرای وجود ضمانت اجرای آنهاست. حقوق بشر بارها تعریف و باز تعریف شده است و در هر دوره، مکتب و صاحب‌نظری از منظر خود به این موضوع نگریسته است و چارچوب آنرا تبیین کرده است. اگرچه برخی صاحب‌نظران، حقوق بشر فعلی را «حاصل تفوق و نفوذ فلسفه و اندیشه‌های غربی» در این زمینه می‌دانند ولی باید اذعان نمود که رشد و شکوفایی چنین اندیشه‌هایی از بنیادهای فرهنگی سایر ملل، مذاهب و مکاتب بهره برده است، به همین دلیل است که اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۵۱ عضو سازمان ملل با فرهنگها و نظرات گوناگون است و دو میثاق بین المللی حقوق بشر و پروتکل‌های اختیاری حقوق مدنی و سیاسی با اعتقادات ادیان و مکاتب تا حدود زیادی همخوانی و همراهی دارد به همین دلیل با قاطعیت می‌توان گفت: «حقوق بشر امروزی تلفیقی از اعتقادات و ارزشهای مربوط به نوع بشر از گذشته تا به امروز است». این حقوق بشر همان مفهومی است که مرزها را در نوردیده و سخن از جهان شمولیان است که از قواعد بنیادین حقوق بشر به مانند قواعد آمره یاد می‌کنند و تخطی از آن موجب مسئولیت دولتها از توصیه و پرداخت غرامت تا اقدام نظامی می‌گردد. همچنین در بیان حقوق بشر در دنیای اعلامیه جهانی حقوق بشر نتیجه‌گیری می‌گردد که مصادیق حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی یا حقوق شهروندی از دیدگاه امام سجاد (ع) گستره وسیعی در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی و فردی شهروندان را دربرمی‌گیرد و مسلماً تحقق مجموعه آنها مستلزم پیش‌شرط‌هایی است که بدون آنها نمی‌توان به تحقق حقوق بشر امیدوار بود. باید گفت که بحث راجع به حقوق بشر تابعی است از تحقق مفهوم انسانیت و به رسمیت شناختن آنها. نکته دیگر این که حقوق بشر چیزی نیست که از سوی حاکمیت به مردم اعطا شود. بلکه در نزد انسان ثابت و محفوظ است و این یکی از ویژگی‌هایی است که بشر با دارا بودن آن شکل می‌گیرد. حقوق در رساله امام سجاد (ع) یعنی احکام، وظایف و تکالیف الهی و آنچه از جانب خداوند نسبت به اصناف مختلف بر انسان واجب شده است. حقوق مورد بحث رساله، نه حق به معنای فلسفی و کلامی آن است، نه حق به معنای دوگانه فقهی یعنی اصطلاح





فقهی جزایی حق‌الله و حق‌الناس و اصطلاح فقهی معاملی حق در مقابل حکم. واضح است که رساله حقوق دربردارنده حقوق بشر به معنای مصطلح آن نیز نیست. بلکه این رساله دربردارنده وظایف شرعی یک مؤمن نسبت به خداوند، اعضاء، اعمال، اقربا، اصناف اجتماعی و مال خود است و اثره حق را در رساله می‌توان بدون هیچ اشکالی به حکم، یا وظیفه یا تکلیف تبدیل کرد. این حقوق منحصر به وظایف الزامی مؤمن نیست، بلکه احکام غیرالزامی (استحبابی) را نیز دربرمی‌گیرد. همچنین نتیجه‌گیری می‌گردد که از دیدگاه امام سجاد(ع) پایه همه حقوق، حق توحید است. آزادی، عمل، نظم و... هیچ یک هدف حقوق شهروندی نیستند، بلکه مراحل برای دستیابی به همان هدف نهایی، یعنی لقای پروردگارانند. از مقایسه تطبیقی مبنای حقوق در دنیای معاصر و حقوق از دیدگاه امام سجاد(ع) نتیجه‌گیری می‌گردد که خردباوری به معنایی که در دنیای معاصر مطرح است (توانایی انسان به شناخت تام و جامع توانمندی‌ها و نیازهای خویش) و آن را پایه حقوق بشر قرار داده‌اند از دیدگاه امام سجاد(ع) پذیرفته نیست، چنین روشی نمی‌تواند ما را به شناخت واقعی انسان رهنمون سازد. زیرا روش علمی شناخت به دلیل محدودیت‌های آن در قالب استقرارگرایی و ابطال‌پذیری، صرفاً دارای ارزش عملی است و در مقام عمل می‌تواند سودمند باشد، و از واقع‌نمایی و ارائه حقیقت نظام هستی عاجز است. امام سجاد(ع) معتقد است که تعیین حقوق بشر از یک سو مبتنی بر مقدماتی نظیر شناخت نظام هستی و شناخت نیازهای کاذب از نیازهای واقعی است، چنین شناختی حتی برای خردمندان بدون استمداد از وحی ممکن نیست.

## منابع و ماخذ

الف: کتابها

۱- ابن شعبه حرانی حسن، (۱۳۷۶)، تحف المعقول، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، نشر کتاب خانه اسلامیه.

۲- احمدی بابک، (۱۳۸۵) مدرنیته و اندیشه انتقادی.

۳- آلف، چالمرز، (۱۳۷۴)، چپستی علم، ترجمه سعید زیباکلام، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.

۴- ایزدپرست، نورالله، (۱۳۶۱)، گلستان سعدی، تهران، انتشارات شرکت دانش.

۵- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۵)، نهج الفصاحه، گردآورنده مرتضی فرید تنکابنی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۶- پللو، روبر، (۱۳۷۰)، شهروند و دولت، ترجمه ی ابوالفضل قاضی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.



- ۷- جمشیدی، محمد حسین، (۱۳۷۷)، اندیشه های سیاسی شهید رابع امام سید محمد باقر صدر، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۸- جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۵)، فلسفه حقوق بشر، قم، اسراء.
- ۹- حقیقت سید صادق و میرموسوی سید علی، (۱۳۸۱)، مبانی حقوق بشر، تهران، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۱۰- حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۵)، رساله حقوق امام سجاد (علیه السلام)، شرح نراقی، انتشارات مهدی نراقی.
- ۱۱- خلیلیان، سید خلیل، (۱۳۶۲)، حقوق بین الملل اسلامی، نشر فرهنگ اسلامی.
- ۱۲- داعی نژاد، سید محمد علی، (۱۳۸۹)، ایمان و آزادی در قرآن، تهران، انتشارات کانون اندیشه. ۱۳۸۹
- ۱۳- دانیل، لیتیل، (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران، موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۳.
- ۱۴- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۷)، لغت نامه دهخدا، ج ۳۴، تهران، چاپخانه دولتی ایران.
- ۱۵- دیوید، بیتام، (۱۳۸۳)، دموکراسی و حقوق بشر، ترجمه محمد تقی دلفروز، طرح نو.
- ۱۶- رنه، گنون، (۱۳۷۲)، بحران دنیای متجدد، ترجمه ضیاء الدین دهشیری، تهران، امیرکبیر.
- ۱۷- شیبانی، ملیحه، (۱۳۸۴)، شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه، و تأمین اجتماعی، فصلنامه ی حقوق تأمین اجتماعی، س اول، ش ۱.
- ۱۸- شیخ حرّ، عاملی، (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۹۶، باب «جهاد العدو» / محمد بن یعقوب کلینی، الفروع من الکافی، ج ۱.
- ۱۹- شیخ صدوق، (۱۴۱۳)، من لا یحضر الفقیه، موسسه النشر الاسلامی، قم.
- ۲۰- شیروانی، رضا، (۱۳۸۸)، جزوه حقوق بشر در اسلام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.
- ۲۱- طالقانی، سید محمود (۱۳۶۰) اسلام و مالکیت، نشر گستر.
- ۲۲- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۶)، حقوق اقلیت ها، انتشارات ترمه.
- ۲۳- کامیار، غلامرضا، (۱۳۸۲)، حقوق شهروندی، چاپ اول، تهران، انتشارات مجد.



۲۴-مایک، فردین، (۱۳۸۲)، مبانی حقوق بشر، ترجمه فریدون مجلسی، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۲۵-سپهری، محمد، (۱۳۸۷)، ترجمه و شرح رساله الحقوق امام سجاد (علیه السلام).

ب: پایان نامه ها

۱-حسینی، مجید، (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز.

۲-گلدوزیان، مریم السادات، (۱۳۸۵)، حق دارا بودن تابعیت به عنوان حق بشری و چگونگی اعمال آن در حقوق داخلی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ی حقوق دانشگاه علامه ی طباطبایی.

ج: مقالات

۱-لک‌زایی، شریف، (۱۳۸۵)، مناسبات آزادی و امنیت از دیدگاه امام خمینی (ره)، علوم سیاسی، ش ۳۴.

۲-عطارزاده، مجتبی، (۱۳۸۷)، امنیت‌مداری در رویکرد دینی، دانش سیاسی، ش ۸.

ه: فرهنگ نامه ها

۱-فرهنگ معاصر، (۱۳۸۳)، فارسی به فارسی، یک جلدی، نشر معاصر، چ ۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی